

# مهاجرین افغان، مظلومیتی مضاعف

عبدالله هروی



باز گردند. البته ایسن یک امر طبیعی نیز می باشد. زیرا بازگشت یک باره میلیونها مهاجر می توانست تبعات ناگواری را در اما اینک با گذشت نزدیک به چندین سال از آن روز ها ، و روی کار آمدن حکومت وحدت ملی که هزاران وعده و امید را برای مردم داده بود، امید و آرزوی افغانهای مهاجر به فرجام نرسیده است. شب سیاه آنان به روشنائی صبح نرسیده است. زخم دل شان مرهمی بخود ندیده است. توهین ها و تحقیر ها ، بی سرنوشتی و فرجایی میهم بر امروز و فردای شان سایه افکنده است. هنوز لذت یک لحظه در وطن زیستن حسرتی پایان ناپذیر برای شان باقی مانده است. آن دسته از مهاجرینی که به وطن بازگشته اند صدها بار بر سر خود لعن و نفرین می فرستند و بر این کرده خویش نادم اند. وضعیت تیره و نار ، زندگی رقت بار مهاجرین باز گشته به وطن به اندازه ای قبیح و غیرانسانی است که مفهوم زیبای وطن برای ایشان بی معنی گردیده است. مگر غیر از اینست که وطن انسان آنجایی است که انسان آرامش و عزت داشته باشد ، ولسی آنان در وطن خود ، در زیر چتر همان حکومتی که از خود می پنداشتمند توهین ها و تحقیر های بدتر از دیار بیگانه را منتهی می کردند. هرچند قدرتی بنام وزارت تجمیع عودت مهاجرین دایر گردیده است ، ولی هر فردی میدانند که فلسفه وجودی چنین دفتر یسا وزارت های فقط

سقوط حکومت مجاهدین و سلطه طالبان روند مهاجرت حالت گسسته در سره بخود گرفت. زیرا طالبان با اتخاذ شیوه های مستبدانه و خود محورانه شرایطی را بر مردم افغانستان تحمیل ساختند که هیچ فردی قادر به ادامه زندگی در کشور نبود. علاوه بر مسایل جنگ و نا امنی ، وضعیت نامساعد طبیعی از جمله خشک سالی های ممتد نیز موجب گردید که تعداد زیادی از افغان های کشاورز کشور را ترک نموده و راه مهاجرت را در پیش گیرند. با گشایش فصل تازه در فضای سیاسی و اجتماعی کشور ، رنگ و رخ تازه در سیمای افغان های مهاجر نمایان گردید. امید های تازه تر بر کالبد فشرده آنسان روح تازه دمید و برق امید را در دیدگان کم فروغ شان بوجود آورد. افغان های مهاجر پسان بسیاری از هم وطنان خود چنین احساس نمودند که اینک دوران رنج و مصیبت به پایان رسیده است. عزت و غرور فرو گزیده ششان دوباره جوانه خواهد زد. دیگر آنان مردم بدون کشور نخواهند بود . سایه حکومت و نظام از منافع و حضور آنان حمایت و مینات خواهد نمود. به همین دلیل و هزاران دلیل دیگر برخی از افغان های مهاجر به وطن بازگشتند. در این میان مقامات حکومتی ، بار ها مهاجرین را دعوت به بازگشت به وطن نمودند . به آنها وعده کار و مسکن داده شد. تضمین امنیت به آنان سپرده شد. ولی در این میان فقط تعدادی از مهاجرین توانستند به کشور

اندکی اززیایی گردد تا بدین صورت تاکیددی گردد برای متولیان امور کشور که پیش از به وضعیت مردم و نیز مهاجرین و پناهندگان کشور توجه و احساس مسئولیت پذیری نشان دهند. مفهوم «مهاجرت» مدت چندین دهه است که وارد ادبیات اجتماعی و سیاسی کشور گردیده است. مهاجرت های روی داده در افغانستان با بصورت جابجایی داخلی بوده و یا بصورت جابجایی خارجی . کشور های که میزبان مهاجرین افغان بوده اند نیز متفاوت می باشند ؛ برخی آنان جز کشورهای همسایه بوده و برخی کشورهای دوردست در قاره اروپا و امریکا و استرالیا می باشند. اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق و آغاز قیام و جهاد مردم در مقابل آن نقطه آغاز مهاجرت های گسترده و نامدار مردم ما محسوب می گردد ، به معنی دیگر اختیار نمودن هجرت به وسیله تعدادی کثیر از هم وطنان شیوه دیگر اعتراض نسبت به اشغال افغانستان بود. اما تداوم موضوع مهاجرت فقط به دوران اشغال باقی نماند ؛ زیرا پس از خروج نیروهای شوروی و سقوط حکومت طرفدار آن باز هم مهاجرین افغان مجبور گردیدند که در کشور های مهاجر پذیر باقی بمانند . قبول نمودن ادامه زندگی در هجرت و دور از وطن این بار صورت اجباری بخود گرفت . زیرا مردم برای در امان ماندن از آسیب جنگ های گسترده و خونین داخلی مجبور شدند به چنان زندگی تن در دهند. با

مباحثه اخیر رییس جمهور با یکی از رسانه های خارجی و اظهار نظر در خصوص وضعیت پناهندگان و مهاجرین افغان، سبب گردید که موضوع مهاجرین و وضعیت آنان بیش از گذشته در عرصه های داخلی و خارجی مطرح گردد. با توجه به دشواری های که روزهای اخیر مهاجرین افغان در یونان و دیگر کشورهای اروپایی دارند، آنان انتظار داشته و دارند که حکومت افغانستان در دفاع از حقوق شان حداقل تلاش لازم را جهت رفع مشکلات و چالش ها بخرج دهند. اما گویا چگونگی کارکرد دولتمردان و بخصوص اظهارات اخیر رییس جمهور آب پاک روی دست آنان ریخته و امید شان را از برآورده شدن چنان انتظاراتی مایوس گردانیده است. رییس جمهور در مصاحبه اخیر خود در ارتباط با وضعیت تاسفبار مهاجرین افغان در اروپا گفت با پناهجویان افغان در اروپا احساس همدردی ندارد. واقعیت امر این که مردم و مهاجرین کشور چنین اظهار نظری را از رئیس جمهور به هیچ وجه انتظار نداشتند. زیرا اول این سخن رییس جمهور در مقایسه با سخنان دیگر او که حاکی از همدردی و دلسوزی به مردم و خصوصا پناهندگان می باشد، در تضاد است. دیگر هرچه باشد او رئیس جمهور کشور است و بر اساس قانون اساسی وی مسئولیت حفاظت و مصونیت شهروندان کشور در داخل و خارج کشور را عهده دارد. حال این که تا چه اندازه ادای این مسئولیت تحقق می یابد بحثی جداگانه است. انتظار این بود که رئیس جمهور باید به جای دعوت از پناهجویان برای برگشت به کشور، با اظهار این مسئله که نسبت به آنان تاسف نمی خورد اولاً با آنان اظهار همدردی نموده و این نیت خود را با ادبیات برگزیده تری آشکار می ساخت. بنابراین وقتی امنیت شهرها و حتا کابل برای شهروندان تامین نباشد، چرخ های اقتصادی یکی ی دیگری متوقف می گردد، بیکاری پیدای می کند، امنیت فیزیکی، روانی و اجتماعی روز بروز زایل تر می گردد، خانواده مقامات درجه اول کشور و کسانی که دستی در قدرت دارند در خارج از کشور با عیش و نوش به سر می برند، چگونه می توان مردم را به ماندن در داخل دعوت کرد و توصیه به استقامت نمود؟! در این نوشتار بدین بهانه هدف آنست که موضوع مهاجرت و وضعیت مهاجرین کشور

## سرمقاله

### وضعیت نابسامان کشور، سند واضحی بر کارکرد مسئولین

محمد رضا هویدا

باران های اخیر در کابل و شماری از ولایات کشور باعث به وجود آمدن خسارات و تلفات انسانی شد. در روزهای گذشته یکی از خیرسازترین ها در شبکه های اجتماعی بوده و هزاران کاربر این شبکه ها با گذاشتن عکس ها و مطالبی از وضعیت نابسامان شهر کابل و راههای مواصلاتی ولایات و ولسوالی ها، از دولت و عملکرد دولتهای گذشته و اکنون انتقاد کرده اند. کارهایی که دولت های گذشته و اکنون انجام داده اند، با بروز هر مشکلی از جمله حوادث طبیعی مثل ریزش باران، برف و زلزله و جاری شدن سیل و وقوع زمین لرزه، به آزمایش گرفته می شود. وضعیت شهر کابل و ولایات و ولسوالی های کشور در بدترین حالت قرار دارد. بخش های وسیعی از شهر کابل در نبود کاتالیزسیون منظم عملا به رودخانه های کوچکی مبدل شده اند. تصاویر تائر برانگیزی که زنان و مردان برای گذر از یک سوی خیابان به سوی دیگر آن از کراچی های کرابی استفاده می کنند و در جاهایی حتا وسایط نقلیه نیز قدرت عبور از جاده ها را ندارند، برای دولت های گذشته و اکنون شرم آور است. اما جالب این است که دولت افغانستان نه تنها خود را موظف به پاسخ جدی و منطقی و عملی به این معضل که هر ساله تکرار می شود نمی داند بلکه با در پیش گرفتن سیاست های تظاهرگرایانه سعی در فریب دادن مردم و به فراموشی سپردن معضلات و مشکلات حاد مردم دارد. پیش از این ماه ها، جاده های کابل غرق در زبانه ها بود و این معضل به شدت تا کنون نیز ادامه دارد که باران های مداوم بر شدت و حجم مشکل افزوده است. در حالی که شهرداری کابل ماهها با سرپرست اداره می شد، اما دولت با حرکات نمایشی خاک به چشم مردم می زد و خود را دلسوز و فعال نشان می داد. میلیون ها دارایی که به نام بازسازی سرک ها در کابل به مصرف رسیده است، در نبود برنامه ها و پلان منظم شهری به هدر داده شده است. سرک های کابل نه کانی دارند و نه جویچه ای که آبهای سرگردان شهر را به سوی خروجی معینی سوق دهند. کابل به راستی سند روشنی برای بی برنامهگی، بی کفایتی، و حیف و میل کمک های جامعه جهانی و پولهای مردم افغانستان است. مسئولین شهری که هیچ برنامه ای نداشته اند و هیچ کار اساسی نکرده اند می بایست برای این همه مشکل جوابی داشته باشند و مورد بازخواست قرار گیرند.

اما در ولایت ها که معمولاً دور از چشم دید رسانه های همگانی است و کمتر کسی به معضلات و مشکلات آنها تامل می کند، وضع بدتر و خراب است. خسارات مادی و تلفات انسانی در بسیاری از ولایات به اندازه قابل تاملی بالا است. هزاران جریب زمین های زیر کشت مردم در معرض ای در خطر سیل قرار گرفته است، صدها خانه در حال تخریب و یا تخریب شده است. نهادهای و ادارات مسئول، معمولاً سعی دارند تا از هر طریق خود را میرا جلوه دهند و بار مسئولیت را از دوش خود دور کنند. هیچ نوع آمادگی برای مبارزه با حوادث طبیعی وجود ندارد.

افغانستان کشوری است که هر لحظه در انتظار حادثه و مشکلی است و اما نهادهای مسئول صرفاً می خواهند با حرف و شعار مردم را قانع کنند. دولتمردان باید حداقل پاسخی برای مشکلات و نابسامانی های فزاینده کشور داشته باشند و بتوانند خود را تا حد اقلی برای جواب گویی به خواست ها و نیازهای اساسی مردم آماده سازند.

«فیروزی والاس» در آن بود که صدای مردمی شکست خورده، مردم جنوب، را به گوش ها برساند. «اوباما» از آمریکا مردمی شکست خورده ساخته ما در عراق، در افغانستان (در روبرویی با) خلافت اسلامی باختمیم. از اینرو مردم آماده اند که به هر چیزی تن در دهند فقط اگر کسی به آنها وعده دهد که جواب هر ضربه ای را از این پس با ضربه ای خواهیم داد.»

مردمی مغلوب به دلیل رهبرانی بسیار

## پیشتازی نامنظر «دونالد ترامپ» جنگ داخلی در میان راستگرایان آمریکائی

سرگی حلیمی/ مترجم: منوچهر مرزبانیان/ قسمت سوم



«هیچ احترامی به ما نمی گذارند»؛ «آنها بر حماقت ما ریشخند می زنند»، «لگد مالمالان می کنند». اینبار، او به آوردگاه گام نهاده تا با پیکار با موافقتنامه های داد و ستد آزاد و ساختن دیوار دژی در مرز جنوبی کشور « به اعاده عظمت آمریکا کمر بندد». در این میان چین و مکزیک به فهرست کشورهای راه یافته اند که، به زعم او، از ساده لوحی و اشتگتن، که گاو شیرده سراسر کره خاک شده، بهره برمی دارند. خاتم «پرست» پیش از اینهم چنین عوام فریبی را در هیئت «والاس» رنه ساخته بود که اغلب مسائل کشورش را ره آورد طبقه سیاسی حامی اقلیت ها، بیگانگان، بزه کاران می دانست. خاتم «پرست» همچنین متخصص آلت دست کردن رسانه ها را به یاد می آورد که روزنامه نگاران را رخنه می کرد و خود را یگانه سخنگوی مردم کوچک و بازار می شناسخت که قادر بود بی پرده سخن راند؛ از ایده های خود به هر بهائی دفاع کند. از اینرو خاتم «پرست» به آقای «ترامپ» بدگمان است. و مانند دخترش «آن» و دامادش «که وین»، مرتب به نظرسنجی ها رجوع کرده تا همسایگان (و وابستگان به اسفند نشین محلی خود) را به سمت نامزد جمهوریخواهی راهبر شود که بیش از هر کسی بتواند آقای «ترامپ» را شکست دهد. مادر و دختر و داماد، هر سه پیش از آنکه آقای «کروز» را برگزینند میان او و آقای «روبیو» مردد بودند. تلاش آنها تا کنون بی ثمر مانده است.

«برکه های رأی گیری به جای گلوله» آقای «ترامپ» در آن گفتگو، بی عرضگی «پرزیدنت بوش» در قبال هممیثانان ایالات متحده (جاپان، آلمان و به ویژه کشورهای خلیج افسارس) را ملامت می کرد، چرا که در حالی این کشورها موانع بازرگانی سر راه سالار و خاوند خویش می گذاردند که ارتش آمریکا به رایگان حافظ آنها بود. درباره «گورباچف»، رهبر شوروی می گفت که: «پیش بینی می کنم که سرنگون بشود، زیرا ضعف بی نهایتی از خود نشان داده.» در ماه مارچ ۱۹۹۰ رئیس جمهوری از حزب جمهوریخواه کاخ سفیدی را در اشغال داشت که «رونالد ریگان» پس از دو دوره زمامداری آنرا ترک گفته بود. با اینحال، آقای «ترامپ» در آنزمان هم بر آن بود که رهبران کره زمین

ضعیف: چنین است مضمون کمابیش دیرپای اندیشه آقای «ترامپ». زیرا فراتر از خودشیفتگی این سوداگر که او را به جانی می کشاند که بخواهد در تمام نبردها، از جمله در کارزار گزینش به مقام رئیس جمهور ایالات متحده «برنده شود» (یکی از فعل های که می پسندد)، از وقتی که زندگی خصوصی و ثروتش مایه پول اندوزی مجله ها شده است، ناسیونالیسم قدرتمنداری نیز چون قطب نمائی به خدمتش درآمده. خلق و خوی او پسند زمانه است، گرچه آقای «ترامپ» بیست و پنج سال پیش هم ضعف رهبران را طی مصاحبه ای با نشریه «پلی بوی» «ابراز می داشتم. در آن مصاحبه با تحقیر و اهانت از رؤسای دو ابرقدرت وقت آقایان «جرج هربرت واکر بوش» و «میکائیل گورباچف» یاد می کرد.



جز دم و دست گاهگی که او ملامت می کند. اما نخستین بار نیست که نیویورک و خطه شمال شرق پامالمان می کند. آقای «به نت» کارمند بلند پایه پیشین «استمن کرداک» با نگرانی فاش می ساخت که هنگام گفتگوئی، آقای «ترامپ» واژه «سلطنت» را برای اشاره به دوران ریاست جمهوری آقای «جرج دبلیو بوش» به کار برده بود. او که واله و شیدای تاریخ، به ویژه سرگذشت جنگ انفضال، دلبسته بیرق ایالات همییمان جنوب ادر جنگ داخلی است، چندان نمی پسندد که حزبی، خود را وارث «ایبراهام لینکلن» بداند. از اینرو لغزش های لفظی قدرت مدارانه میلیاردر «منهتن» برای او بیشتر یاد آور ارتش های «رهاننده بزرگ» ایالات شمالی اند.

هواداران ایالات جنوبی آقای «ترامپ» چه می اندیشند؟ خاتم «دیان جی» را که در «اوبورن» دیدیم، همسرش خانواده اش همواره به جمهوریخواهان رأی داده است. او در کیف دستی خود پتانبچه «سمیت & وسسون» «کالیبر ۲۸ حمل می کند و روزنامه های محلی را که بسیار چپگرا می انگارد نمی خواند (فناوتی که جای بحث دارد). هیچ چیزی بیش از همان دانستن رایج انتخاب کنندگان آقای «ترامپ» یا مردان خشمخیم عذابش نمی دهد. به عقیده او مطلب بیشتر «هفتت آمریکائی هائی است که خواسته و عزم آنها را نادیده انگاشته اند، که خود را کنار کشیده اند، که اعتماد خود را به دو حزب وانهاده اند. دستگاه جمهوری خواهان وعده های بسیاری داده که به هیچکدام هم وفا نکرده. حزبی که همان تحقیری را بر «ترامپ» روا می دارد که به طور معمول کارگران دستکار را به آن چشم می نگرد، «تاپ مدل» که تنبوش های چسبانی در بر دارند سینه جلو می دهد و باد به غیب می اندازد. این آدمی که هرگز در انتخاباتی برنده نشده، در تلویزیون اعلام می کند که اگر رئیس جمهور شود، تردیدی به خود راه نخواهد داد که به سرایان آمریکائی دستور دهد قوانینی را زیر پا بگذارند که او خوش نمی دارد. و بی آنکه دغدغه ای از صحنه گذاردن کنگره به خود راه دهد چندین عهدنامه بازرگانی را برنتابد. خاتم «به نت» اندوه و سردرگمی خود را اعتراف می کند: «برای بازیستاندن او کاری از ما ساخته نیست. با اینهمه، ما هر چیزی هستیم به

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

